

گزارش

خوشحالی دولت سیسی از تروریستی اعلام‌شدن اخوان المسلمین

فشار بر اسلام‌گرایان در مصر



ایالات متحده مدت‌هاست که رؤیای تروریستی اعلام‌کردن گروه اخوان‌المسلمین را در سر دارد و بالاخره روز چهارشنبه، وزارت خزانه‌داری آمریکا تمام شاخه‌های اخوان‌المسلمین در مصر، لبنان و اردن را در لیست تروریسم قرار داد. هم‌زمان با این تصمیم وزارت خزانه‌داری، خیرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا گزارش داد: از تمامی ابزارهای موجود برای محرومیت این شاخه‌های اخوان‌المسلمین از منابع مالی مربوط به تروریسم استفاده خواهیم کرد. روبیو ادعا کرد: تدابیر لحاظ‌شده ما در چارچوب گام‌هایی برای کنترل و مهار خشونت‌ی است که شاخه‌های اخوان‌المسلمین انجام می‌دهند. در آذرماه روبیو گفته بود ممکن است هفته آینده بیانیه‌ای در مورد تحریم‌های احتمالی علیه اخوان‌المسلمین صادر شود. رئیس‌جمهور آمریکا ماه پیش یک فرمان اجرایی امضا کرد که دولت او را ملزم می‌کرد مشخص کند که آیا شاخه‌های خاصی از اخوان‌المسلمین، مانند شاخه‌های لبنان، مصر و اردن، باید به عنوان سازمان‌های تروریستی خارجی و سازمان‌های تروریستی جهانی ویژه تعیین شوند یا خیر. تصمیم روز سه‌شنبه در حالی گرفته شده که اوایل آذرماه امسال دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در سخنانی گفته بود: معرفی اخوان‌المسلمین به عنوان سازمان تروریستی خارجی، با قوی‌ترین و قاطع‌ترین لحن انجام خواهد شد. ترامپ به رسانه خبری «جاست ِن نیوز» در آن زمان خبر داد اسناد نهایی این اقدام در حال تهیه هستند.

اخوان المسلمین: اقدام آمریکا سیاسی است

گروه‌های اخوان‌المسلمین در مصر و لبنان ضمن اعلام مخالفت خود با اقدام آمریکا در درج نام این گروه در لیست ترورستی، تأکید کردند این اقدامی سیاسی بوده و آنها تدابیر قانونی لازم را برای متوقف‌کردن این روند در پیش خواهند گرفت. گروه اخوان‌المسلمین در مصر با صدور بیانیه‌ای مخالفت خود را با اقدام آمریکا در درج نام این گروه در لیست گروه‌های تروریستی اعلام و تأکید کرد تمامی تدابیر قانونی برای متوقف‌کردن این روند را در پیش خواهد گرفت. به گزارش تلویزیون شبکه خبری «الجزیره»، گروه اخوان‌المسلمین در لبنان نیز با صدور بیانیه‌ای، اقدام آمریکا علیه این گروه را تصمیمی سیاسی دانست که بر پایه هیچ حکم قضائی نبوده و در لبنان مشمول هیچ‌گونه پیگرد حقوقی نمی‌شود. خزانه‌داری آمریکا اخیراً در بیانیه‌ای اعلام کرد شاخه‌های اخوان‌المسلمین در مصر، لبنان و اردن را به دلیل حمایتشان از جنبش حماس در لیست تروریست‌های فعال قرار داده است. وزارت خارجه این کشور نیز اعلام کرد: قراردادن شاخه‌های اخوان‌المسلمین در مصر، اردن و لبنان در لیست سازمان تروریستی خارجی شامل امکان بلوکه‌کردن حساب‌های بانکی آنها، ممنوعیت هرگونه معامله مالی و اقتصادی با آنها و نیز محدودکردن سفر برای اعضای آنها می‌شود.

واکنش‌ها چیست؟

در حمایت از موضع آمریکا، وزارت خارجه مصر از این تصمیم این کشور در تروریستی خواندن شاخه‌های اخوان‌المسلمین در مصر، اردن و لبنان استقبال کرد. تروریستی اعلام‌کردن گروه اخوان‌المسلمین هرچند در قاهره از سوی حکومت مورد استقبال قرار گرفته و نشان می‌دهد اخوانی‌ها دیگر خطری وجودی برای نظامیان حاکم در مصر ندارند، اما در ترکیه به معنای یک زنگ خطر به حساب می‌آید. از آنجا که رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه خود را از نزدیکان اخوان‌المسلمین به حساب آورده و از آنها حمایت می‌کند، در میان رهبرهای دیگر کشورهای اسلامی مورد فشار قرار خواهد گرفت و این تصمیم می‌تواند باعث نوعی دلخوری سیاسی از واشنگتن شود.

از اخوان المسلمین چه می‌دانیم؟

یکی از مهم‌ترین جنبش‌های اسلامی شکل‌گرفته در مصر، جنبش اخوان‌المسلمین است و از این کانون، اندیشه‌ها و افکار خود را به سایر کشورهای اسلامی هم گسترش داد. در حال حاضر ستون فقرات بسیاری از جنبش‌های اسلامی در جهان، به‌ویژه در آفریقا و خاورمیانه را اخوان یا اخوانی‌های سابق تشکیل می‌دهند. رهبران اصلی دو گروه جهاد اسلامی و جماعت اسلامی از اعضای سابق جنبش اخوان‌المسلمین هستند. به رغم تفاوت دیدگاه شاخه‌های مختلف اخوان‌المسلمین در کشورهای اسلامی، می‌توان تأکید کرد که همچنان مصر مرکز اصلی و مؤثر تصمیم‌گیری آنهاست. در سال‌های پسا محمد مرسی در مصر، اخوان‌المسلمین به‌شدت زیر ضرب دولت مستقر در قاهره قرار گرفت. پس از آنکه مرسی در مصر در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز و سپس با اعتراضات مردمی و همراهی نظامیان وابسته به حکومت حسنی مبارک سرنگون شد، فشارها بر دانشگاه الازهر مصر و جنبش اخوان‌المسلمین افزایش پیدا کرد. این فشارها به صدور حکم اعدام برای بسیاری از اعضای ارشد این گروه انجامید و دولت عبدالفتاح السیسی نشان داد هیچ‌گونه مسامحه‌ای با اخوانی‌ها ندارد. پروژه منووی‌کردن اخوان‌المسلمین پس از سالیان طولانی از فعالیت این گروه مذهبی-سیاسی، در مصر تا آنجا پیش رفت که ایالات متحده به بهانه نفوذ این گروه در یمن و ادعای اقدامات مسلحانه به سراغ اخوان رفته و آن را تروریستی اعلام کرده است. اخوان‌المسلمین طی سال‌های اخیر از فعالیت‌های آشکار، به فعالیت‌های زیرزمینی روی آورده بود. البته اخوان هرگز این موضوع را علنی اعلام نکرد و هم‌زمان بسیاری از فعالیت‌ها را با وجود غیرقانونی‌بودن به صورت علنی ادامه می‌داد. البته اخوان برخلاف آنچه به نظر می‌رسد در عرصه سیاسی مصر تنها نیست. یکی از احزاب مهم مصر، یعنی حزب کار عمداً از طریق ائتلاف با اخوان‌المسلمین فعالیت می‌کند. یکی از ثمرات نزدیکی این دو حزب سیاسی و مذهبی این است که اخوان‌المسلمین بتواند در میان سندیگاه‌های صنفی مصر، حضوری فعال پیدا کند. به عنوان مثال از اواخر دهه هشتاد، اخوان‌المسلمین تصمیم گرفت با شرکت در انتخابات سندیگاه‌های مختلف (همانند سندیگاه‌های پزشکان، کارگران، مهندسان، دانشگاهیان، دندانپزشکان، داروسازان و...) در اداره آنها نقش محوری ایفا کند و به این ترتیب توانست با سیطره بر اکثر سندیگاه‌ا آنها را به صحنه سیاسی وارد و از حالت صنفی صرف خارج کند. البته دولت مصر نتوانست این وضعیت را تحمل کند و حتی با مداخله آشکار در مسائل صنفی، شوراهای قانونی و منتخب سندیگاه‌های مذکور را که اغلب از اعضای اخوان‌المسلمین بودند منحل و برکنار کرد. اما به هر حال همین مقدار حضور اخوانی‌ها در این سندیگاه‌ها، نقش مهمی در سیاسی‌شدن آنها ایفا کرد و تا امروز هم وضعیت بر همین منوال بوده است. با این حال به نظر می‌رسد با تروریستی اعلام‌شدن اخوان‌المسلمین دست دولت سیسی برای بگriویبندها و حمله به اخوان و مقابله با احزاب نزدیک به این گروه کاملاً باز باشد.

تهدید ترامپ علیه کلمبیا، مکزیک، کوبا و گرینلند پس از عملیات در ونزوئلا

نقشه واشنگتن برای نیم‌کره غربی



رئیس‌جمهور آمریکا پس از بازداشت نیکلاس مادورو، با تکیه بر قرائتی خاص از دکترین مونرو، سیاستی تهاجمی در نیم‌کره غربی در پیش گرفته و از ونزوئلا تا کلمبیا، کوبا و گرینلند را با زبان تهدید هدف قرار داده است. محور این رویکرد، این بار نه دموکراسی، بلکه نفت، منابع راهبردی و انحصار نفوذ آمریکاست. این سیاست معامله‌محور، با نادیده‌گرفتن قواعد حقوقی و هنجاری، اروپا و جهان را نگران بازگشت منطق سلطه و بی‌ثباتی کرده است. کمی پس از آنکه ترامپ از سرنگونی رهبر ونزوئلا سخن گفت و مدعی «حق» آمریکا بر نفت این کشور شد، این بار کلمبیا را نیز به سرنوشتی مشابه تهدید کرد. او سپس کوبا را کشوری «بی‌ارزش برای

حمله» توصیف کرد و گفت این کشور از نظر او «آماده سقوط است». ترامپ همچنین بار دیگر ادعای خود درباره گرینلند را تکرار کرد و با استناد به «ضرورت‌های امنیت ملی»، بر لزوم قرار گرفتن این سرزمین زیر کنترل آمریکا تأکید کرد. به نوشته دیوید سگر، کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل و تحلیلگر نیویورک‌تایمز، این ادعاها تصویری شفاف از وضعیت ذهنی و برنامه‌های او ارائه می‌کند: پس از بازداشت سریع نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور آمریکا، تا چه اندازه خود را جسورتر، مسلط‌تر و صاحب دست بالا می‌بیند. ترامپ در حالی‌که از برنامه‌هایش برای ادمین حیاتی تازه به «دکترین مونرو» سخن می‌گفت، مدعی شد «ما مسئولیم» در ونزوئلا. اما بلافاصله بیان کرد که منظورش نسخه‌ای به‌روز و شخصی‌سازی‌شده از همان ایده است؛ نسخه‌ای که مطابق عادت همیشگی اش، آن را به نام خود مصادره می‌کند و «دکترین مونرو» می‌نامد.

ترامپ هیچ‌گاه فلسفه‌اش را با جزئیات توضیح نداد و روشن نکرد آیا این رویکرد قرار است فراتر

از حمله به کاراکاس هم امتداد پیدا کند یا نه. با این حال، پیامش روشن بود: او می‌تواند از نیروهایی

که در حوزه کارائیب گرد آورده است، این بار برای مأموریت‌های تازه علیه کلمبیا و رئیس‌جمهور آن

یعنی گوستاوو پترو استفاده کند.

ترامپ در ادامه، ادعایی تند و بی‌پرده را مطرح کرد و گفت کلمبیا «از سوی یک مرد بیمار اداره می‌شود که دوست دارد کوکائین تولید کند و آن را به ایالات متحده بفروشد». او در گفت‌وگو با خبرنگاران داخل «ایرفورس وان» گفت: «او قرار نیست خیلی طولانی این‌کار را انجام بدهد. او آسیب‌های کوکائین و کارخانه‌های کوکائین دارد. قرار نیست این کار را انجام بدهد. وقتی هم از رئیس‌جمهور آمریکا پرسیدند آیا ایالات متحده عملیاتی علیه کلمبیا انجام خواهد داد، ترامپ پاسخ کوتاه اما معناداری داد: «به نظر خوب می‌آید».

ممکن است همه اینها صرفاً یک تهدید توخالی بوده باشد؛ تلاشی برای آنکه دقت و سرعتِ ربودن مادورو از اتاق خوابی که به‌شدت محافظت می‌شد، به اهرمی برای به تهدید گوستاوو پترو تبدیل شود. اما در مرکز استدلال ترامپ، یک گزاره محوری قرار داشت: قدرت آمریکا و اینکه عملیات مادورو چه چیزی درباره آمادگی او برای به‌کارگیری بی‌محابای این قدرت آشکار می‌کند. ترامپ هنگام اعلام حمله به ونزوئلا از «مارالاکو»، باشگاه خصوصی‌اش در فلوریدا به خبرنگاران گفت: «سلطه آمریکا در نیم‌کره غربی دیگر هرگز مورد تردید قرار نخواهد گرفت».

روایتی از «حق» آمریکا بر ونزوئلا

دونالد ترامپ با اعلامیه‌هایی صریح و بی‌پرده حرف می‌زند؛ و همین صراحت بود که مارکو روبیو را واداشت بخش بزرگی از فعالیت‌های اخیر خود را صرف عقب‌نشاندن نرم گفته‌های رئیس خود کند؛ به‌ویژه آن ادعایی را که ترامپ بارها تکرار کرده بود: اینکه ایالات متحده قرار است ونزوئلا را «برای آینده پیش‌بینی‌پذیر» اداره کند. به گزارش فارو به نقل از نیویورک تایمز، باین‌همه، روایت ظریف‌تر و درعین‌حال راهبردی‌تر از نقش آمریکا در نیم‌کره غربی، در صفحه ۱۵ «راهبرد امنیت ملی» تازه دولت ترامپ شرح داده شده است؛ سندی که انکار قیقا برای چنین لحظه‌ای از ماجراجویی سرزمینی آمریکا نوشته شده باشد. خوانش دقیق‌تر این متن می‌تواند سرخ بدهد که ترامپ فراتر از ونزوئلا به چه می‌اندیشد: از کلمبیا و مکزیک تا کوبا و گرینلند؛ قلمرو یخ‌پوشیده‌ای که او بار دیگر تأکید کرد باید به‌نوعی زیر کنترل ایالات متحده قرار گیرد.

ترامپ گفت: «دکترین مونرو موضوع بزرگی است»؛ او پرتزاه متفکرانه از پنجمین رئیس‌جمهور آمریکا را نزدیک میز کارش در دفتر کاخ سفید نگه می‌دارد. سپس تأکید کرد: «اما ما آن را خیلی، واقعا خیلی، پشت سر گذاشته‌ایم». اشاره او، ظاهراً به چیزی بود که «راهبرد امنیت ملی» از آن با عنوان قرارت ترامپ از اعلامیه مشهور مونرو یاد می‌کند؛ همان اعلامیه‌ای که با هدف جلوگیری از مداخله قدرت‌های اروپایی در قاره آمریکا صادر شده بود. اما این قرائت ترامپ از دکترین مونرو، با را فراتر می‌گذارد و مدعی حقی برای ایالات متحده می‌شود تا «بترتی آمریکایی را در نیم‌کره غربی احیا کند» و رفقای خود یعنی چین را از «توان استقرار نیرو با دیگر قابلیت‌های تهدیدآمیز، با مالکیت و کنترل دارایی‌های راهبردی حیاتی» محروم سازد.

این عبارت پایانی درباره در اختیار گرفتن «دارایی‌های راهبردی حیاتی» به‌روشنی با روایت ترامپ از چیرایی ادعای آمریکا بر ذخایر عظیم نفتی ونزوئلا گره می‌خورد؛ ذخایری که او آنها را «بزرگ‌ترین جهان» می‌خواند. ترامپ در اظهارات روز سه‌شنبه‌اش نزدیک به ۲۰ بار به نفت اشاره کرد: از ضرورت بازسازی تأسیساتی گفت که به نظر او سال‌ها رها شده بودند، از کنترل تولید حرف زد و از «جبران خسارت» برای شرکت‌های آمریکایی سخن راند؛ چون مدعی بود رهبران ونزوئلا «نفت ما را ردیدند». او در توضیح بخش نفت گفت: «ما کل آن صنعت را آنجا ساختیم و آنها خیلی راحت تصاحبش کردند». سپس تأکید کرد: «و ما رئیس‌جمهوری داشتیم که تصمیم گرفت هیچ کاری نکنند»؛ کنایه‌ای که به نظر می‌رسید متوجه جو بایدن باشد. ترامپ نتیجه گرفت: «بیس ما کاری کردیم. دیر بود، اما کاری کردیم». ریچارد هاس، رئیس شورای روابط خارجی و از مقام‌های پیشین حوزه امنیت ملی و وزارت خارجه آمریکا، این منطق را چنین جمع‌بندی کرد: «این، جوهر عریان دکترین ترامپ است».

دکترین بدون نقش جهانی

باین‌همه این رویکرد هنوز با یک «راهبرد جهانی کامل» فاصله دارد. ترامپ روشن نکرده است اگر نیم‌کره غربی را حوزه اختصاصی آمریکا می‌داند، آیا چین در آسیا هم آزاد است همان منطق را اجرا کند یا نه. اما او با اعلام خارج از دسترس بودن این نیم‌کره برای بازیگران بیرونی جویای نفت و نفوذ، تلاش می‌کند تضمین کند تنها شرکت‌های آمریکایی ازجمله برخی که به حامیان او تعلق دارند یا به دست آنان اداره می‌شوند، امکان بهره‌برداری از ذخایر عظیم ونزوئلا را داشته باشند. درعین‌حال، او یک استثنا را هم از قلم نینداخت: ترامپ در پاسخ به پرسش خبرنگاری گفت انتظار دارد فروش نفت ونزوئلا به چین همچنان ادامه پیدا کند؛ کشوری که بنا به روایت مطرح‌شده، بین نیم تا سه چهارم تولید اندک فعلی ونزوئلا را وارد می‌کند.

تمرکز شدید ترامپ بر بهره‌برداری از سرنگونی مادورو برای طرح ادعای حاکمیت آمریکا بر ذخایر نفتی ونزوئلا، برای یک ریاست‌جمهوری معامله‌محور چندان دور از انتظار نبود؛ درعین‌حال، افشاگرانه هم بود. او حتی یک بار هم از ترویج یا احیای دموکراسی در ونزوئلا به‌عنوان هدفی آمریکایی نام نبرد؛ کشوری که تا پیش از به قدرت رسیدن هوگو چاوز در سال ۱۹۹۹، سابقه‌ای چنددهه‌ای از رویه‌های دموکراتیک و انتخابات آزاد داشت. این حذف، چندان هم غافلگیرکننده نبود. هرچند ترویج دموکراسی همواره یکی از ارکان راهبردهای امنیت ملی رؤسای جمهور آمریکا به شمار می‌رفت، اما در سند راهبرد امنیت ملی جدید کاخ سفید، این مؤلفه تقریباً به طور کامل غایب بود.

و هنگامی که ترامپ درباره دولتِ پسامادورو تأمل می‌کرد، به طور معناداری هرگز خواستار انتصاب آدموندو گونسالس به‌عنوان رئیس‌جمهوری شد؛ آن‌هم درحالی‌که ایالات متحده و شماری از کشورهای دیگر، او را برنده مشروع انتخابات ۲۰۲۴ می‌دانستند. گونسالس ۲۶ساله، نامزد نیابتی ماریا کورینا مچادو بود؛ چهره‌ای که از نامزدی در انتخابات منع شده بود. ریچارد فونتین، مدیر اجرایی مرکز امنیت نوین آمریکا و دستیار پیشین سناتور جان مک‌کین، آخر هفته گفت: «این حذف، فوراً برای مشروعیت سیاسی دولت ونزوئلا مشکل ایجاد می‌کند. بسیاری از کسانی که بالقوه از عملیات آمریکا حمایت می‌کردند، به امید آزادی بودند، نه صرفاً یک رویکرد متفاوت درباره مواد مخدر و نفت». او در جمع‌بندی تأکید کرد: «بازگرداندن دموکراسی به ونزوئلا، آشکارا جزء اهداف آنها نیست».

دونالد ترامپ ظاهراً کاملاً راضی است با بقایای دولت مادورو کار کند؛ به شرط آنکه از

تهدید ترامپ علیه کلمبیا، مکزیک، کوبا و گرینلند پس از عملیات در ونزوئلا

نقشه واشنگتن برای نیم‌کره غربی

دستورآتش تبعیت کنند و دسترسی به نفت و نیز غرامت ناشی از ملی‌سازی دارایی‌های شرکت‌های آمریکایی را در اختیارش بگذارند. در این چارچوب، «مأموریت دولت‌سازی» او تفاوتی بنیادین با الگوهایی دارد که مثلاً جورج دبلیو بوش در افغانستان و عراق دنبال می‌کرد؛ بوش دست‌کم ادعا می‌کرد به دنبال ساخت الگوهای دموکراسی در خاورمیانه است، اما ترامپ عملاً چیزی فراتر از یک مطالبه معامله‌محور بر ثروت‌های زیرزمینی ونزوئلا نمی‌خواهد.

درحالی‌که ترامپ و متحدانش با اشتیاق از احیای دکترین مونرو سخن می‌گویند، نیت و کارکرد آن دکترین در دو قرن پیش، با وضعیت

امروز آمریکا تفاوتی بنیادین داشت. زمانی که مونرو این دکترین را اعلام کرد، ایالات متحده کشوری با حدود ۱۰ میلیون نفر جمعیت بود و نیروی دریایی‌اش به چند ده کشتی محدود می‌شد؛ تقریباً یک‌پنجم نیرویی که پنتاگون برای برکناری مادورو در سواحل ونزوئلا گرد آورد.

زمینه تاریخی هم به کلی متفاوت بود. کشورهای آمریکای لاتین تازه داشتند از زیر سلطه اربابان درودست خود یعنی اسپانیا و پرتغال بیرون می‌آمدند. مونرو و هم‌پیمانانش نگران بودند قدرت‌های اروپایی برای استعمار دوباره بازگردند؛ بنابراین اعلامیه مونرو تلاشی بود برای بستن آن مسیر نفوذ و هشداردادن به اروپا که قاره آمریکا میدان بازگشت نیست. حتی در همان زمان نیز تدبیرهای جدی وجود داشت که آیا مونرو یا جانشینان او اصلاً قادر خواهند بود چنین قدرت‌هایی را مهار کنند یا نه؛ آن‌هم در شرایطی که فقط ۳۵ سال از تصویب قانون اساسی آمریکا گذشته بود و این کشور هنوز در

حال تثبیت ظرفیت‌های حکمرانی و قدرت‌نمایی خود بود.

اینکه ترامپ تا چه اندازه با این تاریخ‌آشناست، روشن نیست. اما او روز شنبه، هنگام احیای دکترین مونرو، با لحنی قاطع گفت: «انکار آن را فراموش کرده بودیم. خیلی مهم بود، اما فراموشش کرده بودیم. حالا دیگر تحت راهبرد امنیت ملی جدیدمان فراموشش نمی‌کنیم. سلطه آمریکا در نیم‌کره

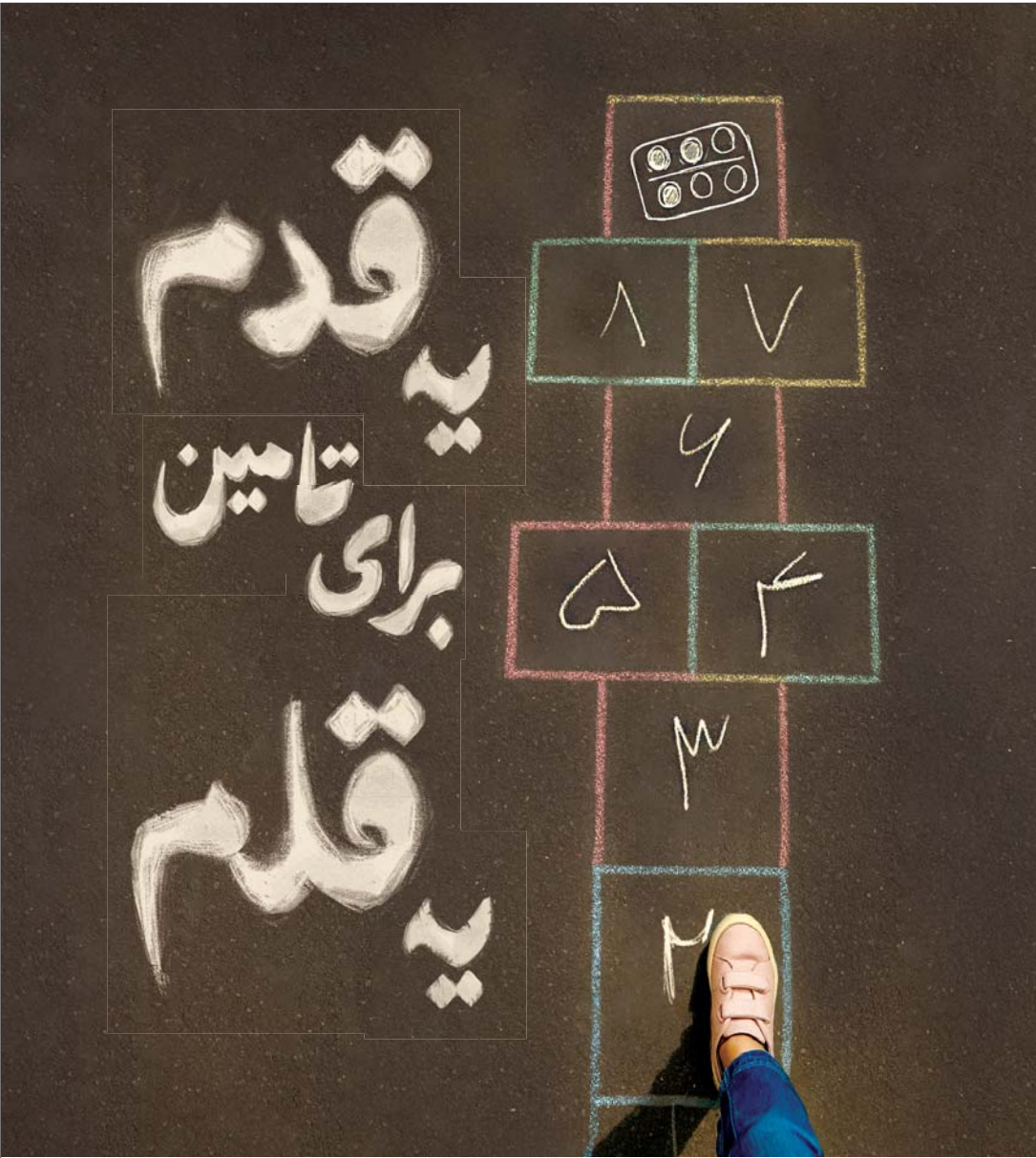
غربی دیگر هرگز مورد تردید قرار نخواهد گرفت».

به احتمال زیاد، منظور ترامپ از این هشدار، دو رقیب اصلی واشنگتن یعنی چین و روسیه بود؛ همان کشورهایی که با زنده‌شدن دوباره بحث قرارگرفتن گرینلند تحت حاکمیت آمریکا، بار دیگر به کانون تمرکز او بازگشته‌اند؛ موضوعی که ترامپ نخستین بار حدود یک سال پیش در مارالاکو مطرح کرد و سپس ماهه درباره آن سکوت اختیار شد. درعین‌حال او بی‌سروصدا از برخی ایده‌های جنجالی پیشین هم فاصله گرفته است؛ دیگر از کنترل کانال پاناما سخن نمی‌گوید و ایده تبدیل کانادا به ایالت پنجاهویکم ایالات متحده را نیز کنار گذاشته است. اما منطق رخدادهای آخر هفته گذشته نشان می‌دهد ترامپ حالا باور دارد مسیر برای «مطالبه» منابعی که از نظر او آمریکا بدون آنها نمی‌تواند دوام بیاورد، هموار شده است. هم‌زمان او استدلالی موازی درباره گرینلند می‌سازد: سرزمینی که ممکن است ذخایر در خورتوجهی از عناصر نادر حاکی داشته باشد. ترامپ در «ایرفورس وان» گفت: «ما از منظر امنیت ملی به گرینلند نیاز داریم. گرینلند همه جا پوشیده از کشتی‌های روسی و چینی است». او سپس تأکید کرد: «دانمارک از عهده‌اش برنمی‌آید» و با لحنی طعنه‌آمیز گفت برای تقویت امنیت گرینلند «فقط یک سورتمه سگ دیگر اضافه کرده است».

گزارش

افشای اعضای کمیته اداره‌کننده غزه

رسانه‌ها اعلام کردند اسامی اعضای کمیته تکنوکرات اداره‌کننده امور غزه تقریباً نهایی شده است و بر این اساس، به احتمال بسیار زیاد نبیل شعث ریاست کمیته، عائد ابو رمضان مسئولیت امور صنعت و اقتصاد و هنا تیزی مسئولیت امداد و همیاری را بر عهده خواهند داشت. علاوه بر این، عدنان سالم ابو ورده مسئولیت امور قضائی، رامی توفیق حلس مسئولیت اوقاف و امور مذهبی، جبر الداعور امور آموزش، بشیر الریس مدیریت امور مالی، اسامه حسن السعداوی امور مسکن و مشاغل و سمیرا حلس امور انرژی و حمل‌ونقل را بر عهده خواهند داشت. به گزارش المیادین، سامی علی نسمان مسئولیت امور داخلی، عمر شمالی امور ارتباطات، عبدالکریم عاشور امور کشاورزی و عائد باغی مسئولیت بهداشت را بر عهده خواهند داشت. این پس از مذاکراتی است که در قاهره درباره تکمیل مرحله اول توافق آتش‌بس و تسریع در مرحله دوم، از جمله تشکیل کمیته اداری و تکمیل عقب‌نشینی اسرائیل از نوار غزه، برگزار شد. در همین حال و در شرایطی که گروه‌های فلسطینی در قاهره مرحله دوم توافق را بررسی کردند، رئیس‌جمهور آمریکا آغاز مرحله دوم توافق غزه را اعلام می‌کند. در همین حال روزنامه «وال‌استریت‌ژورنال» به نقل از منابع آمریکایی نوشت، «نیکولای ملادینوف»، سیاست‌مدار و دیپلمات بلغارستانی به عنوان نماینده عالی شورای ویژه صلح در غزه اعلام خواهد شد. ملادینوف نقش حلقه اتصالی بین شورای صلح و دولت تکنوکرات را بر عهده خواهد داشت. علاوه بر این، «کی‌پر استارمر»، نخست‌وزیر بریتانیا، احتمالاً پیوستن به شورای اداره غزه را بپذیرد. طبق این گزارش، آلمان هم احتمالاً بپذیرد که به شورای اداره غزه به ریاست ترامپ ملحق شود. رئیس کمیته تکنوکرات، غزه را اداره خواهد کرد و نبیل شعث، معاون وزیر سابق برنامه‌ریزی فلسطین، ریاست این کمیته را بر عهده خواهد داشت.



#۷۳۱*
 تو هم برای حمایت
 به قدم بردار

شماره کارت بانک شهر
 ۵۰۴۷-۰۶۱۰-۹۰۰۶-۶۶۸۵



mahak-charity.org

۰۲۱-۲۳۵۴۰۰۲۱

محک

مؤسسه خیریه حمایت از
 کودکان مبتلا به سرطان